مصاحبه دکتر مهدی محقق درباره مرحوم آیت‌ا‌ واعظ‌زاده خراسانی!

حُکمُ المَنیِه فیِ البَرِیَه جار ما هذِه الدُنیا بدارِ قرار فرمان مرگ بر همه مردمان جاری و روان است و این دنیا جای قرار و ماندن نیست.

حوزه علمیه مشهد و دانشگاه آن شهر مقدس هفته گذشته (۲۸ آذر ۱۳۹۵) یکی از مدرسان و استادان برجسته خود را از دست داد و آیت‌ا‌ شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی دار فانی را وداع گفت. آن مرحوم خود می‌فرمود که در سال اول دبستان معرفت با من همکلاس بوده؛ ولی من این موضوع را به خاطر ندارم زیرا آن سال مصادف با دربدری و مخفی شدن مرحوم پدرم از این خانه به آن خانه و هجوم مأموران پلیس، نیمه‌شبان به خانه ما بود و من ِ شش‌ساله آرامش ذهنی را از دست داده بودم. آنچه به خاطر دارم، اینکه در دبستان معرفت به مدیریت مرحوم شیخ مهدی ناظم صبحگاهان به جای سرود شاهنشاهی، زیارت حضرت امام رضا(ع) خوانده می‌شد.

مرحوم پدرم حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی از دوستان نزدیک پدر مرحوم واعظ‌زاده بود که در مشهد مقدس به نام حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی خوانده می‌شد و این دو تن از وعاظ درجه یک در مشهد نام برده می‌شدند. پدرم در واقعه مسجد گوهرشاد مشهد در آن مسجد منبر رفته بود و حاکم وقت را عامل داروین انگلیسی خواند و به دنبال آن سه سال و ده روز زندان قصر قجر را متحمل شده و خانواده ما را بی‌سرپرست رها کرده بود. در آن زمان شهرت داده بودند که رضاخان می‌خواهد همه کتابهای اخبار و احادیث شیعه را نابود کند، یعنی بسوزاند و یا به دریا بریزد پیرمردان و متدینان مشهد می‌گفتند اگر چنین جسارتی به عمل پیوندد، حاج شیخ‌مهدی و حاجی محقق را داریم که همه آن اخبار و آثار را از حفظ دارند و برای ما می‌نویسند.

من که به علت پریشانی احوال خانواده در سال ۱۳۲۱ دبیرستان را رها کرده و به شاگردی مغازه‌ای روی آورده بودم، دست تقدیر روزگار مرا به محضر مرحوم میرزامهدی آشتیانی در مدرسه سپهسالار قدیم کشانید و در آن مدرسه با دو استاد بزرگ خراسانی که هر دو موقتاً به تهران آمده بودند آشنا شدم؛ آقای شیخ

حسین وحیدی (آیت‌ا‌ا‌العظمی وحید خراسانی) و مرحوم آقای شیخ محمدرضا ترابی خانرودی که در نزد اولی شرح منظومه منطق حاج ملا هادی سبزواری و نزد دومی معالم الاصول را خواندم. این هر دو مرا به رفتن به مشهد برای تلمذ نزد مرحوم شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی) تشویق کردند. من یک سال به این منظور در مشهد اقامت کردم (۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷). در این مدت با دو طلبه روشنفکر آشنا شدم یکی در مدرسه نواب مرحوم شیخ کاظم مدیر شانه‌چی و دیگری در مدرسه سلیمان‌خان مرحوم شیخ محمد واعظ زاده خراسانی. ما سه نفر گفتیم که در آینده باید مقاله و کتاب بنویسیم و چه بهتر که نویسندگی را تمرین کنیم؛ از این جهت برای روزهای پنج‌شنبه و جمعه که درسهای حوزه تعطیل بود، هر یک مقاله‌ای در موضوعات دینی و اجتماعی می‌نوشتیم و برای یکدیگر می‌خواندیم و اصلاح می‌کردیم.

استادان

مرحوم واعظ‌زاده در مشهد نزد استادان بزرگی همچون مرحومان سیدیونس اردبیلی و حاج شیخ هاشم قزوینی درس خواند و سپس به حوزه علمیه قم پیوست و نزد مرحوم آیت‌ا‌ حاج آقا حسین بروجردی و مرحوم آیت‌ا‌ حجت کوه‌کمری تلمذ نمود. از اختصاصات آیت‌ا‌ بروجردی این بود که برای شاگردانشان تکلیف کتبی معین می‌فرمود. مرحوم واعظ‌زاده تکلیفی را که برای استاد آماده کرده بودند، به من نشان دادند که نظرات صائب استاد در حواشی آن دیده می‌شد. در ایامی که من رئیس مرکز دایره‌ا‌لمعارف تشیع بودم، آیت‌ا‌ صافی گلپایگانی تکلیفی را که درباره یکی از رجال حدیث برای استاد آماده کرده بودند، به من نشان دادند. ای کاش این شیوه مرضیه علمی در همه حوزه‌های علمیه عملی می‌شد!

رابطه علمی میان من و آقای واعظ‌زاده قطع نشد، به‌ویژه آنکه پدر ایشان ـ مرحوم حاج شیخ مهدی ـ که از مردم مشهد قهر کرده بود، در ایام محرم به دعوت دو تن از بازرگانان تهران مرحومان حاجی ابوالصدق و حاجی ابوالحلم، مقدم این واعظ معمر را که مرحوم پدرم می‌فرمود که حاج شیخ مهدی در ایام میانسالی همچون خورشید در آسمان مشهد می‌درخشید، گرامی داشتند. در این اوقات ایشان در منزل ما اقامت داشتند و از طرف پدرم مأمور تر و خشک کردن آن بزرگ مرد عالم وعظ و خطابه بودم.

روزی از ایشان علت قهر کردن از مردم مشهد را پرسیدم؛ فرمود: یکی از مستمعان به من گفت: تا کی قال‌ا‌لصادق(ع) و قال‌ا‌لباقر(ع) می‌گویی؟ امروز باید اجتماعیات را برای ما بگویید. من گفتم بروید سر کوچه، روزنامه‌ها و مجلات همه‌اش اجتماعیات است و منبر پیغمبر جای این مطالب نیست. و باز می‌فرمود: در مسجد فیلِ مشهد می‌خواستم منبر روم؛ یکی به من گفت: منبرتان را مختصر کنید که بعد از شما اصغر عابدین (مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده مؤسس مکتب مهدیه در مشهد)، صحبت خواهند کرد.

همایش شیخ طوسی

در سال ۱۳۴۸ مرحوم واعظ‌زاده یک‌تنه ترتیب همایش مرحوم شیخ طوسی را دادند که در نوع خود بی‌نظیر بود و مقالات آن همایش به همت مرحوم شیخ علی دوانی چاپ شده است. روزی پس از انقلاب در «کنگره طبری» که در نوع خود نامرتب‌ترین همایش‌ها بود، یکی از آقایان در حضور آقای واعظ‌زاده گفت: «کنگره‌های قبل از انقلاب همه فرمایشی بود!» که رنگ از چهره آن مرحوم پرید. در کنگره شیخ طوسی بزرگانی از داخل و خارج شرکت کرده بودند؛ از جمله حاج میرزا خلیل کمره‌ای و شهید مرتضی مطهری و استاد جعفری از ایران و علال فاسی بزرگترین شخصیت علمی از مراکش، و پروفسور مونتگمری وات از اسکاتلند و چارلز آدامز از کانادا. من در آن کنگره درباره کتاب تلخیص الشافی شیخ طوسی سخنرانی کردم. خوشبختانه قرار است کنگره‌ای هم در باره سیدمرتضی علم‌الهدی تشکیل شود که جلسه مقدماتی آن در حضور رهبر انقلاب تشکیل شد و آیت‌ا استادی برنامه اجمالی آن را در حضور معظم‌له ارائه دادند.

در سنوات اخیر که من با دعوت دانشگاه مشهد برای تدریس دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی می‌رفتم، ریاست گروه فلسفه و کلام را در بنیاد پژوهش‌های اسلامی پذیرفتم و در همین بنیاد، آیت‌ا واعظ‌زاده رئیس گروه فقه و حدیث بودند و این برای من سعادتی بود که در آن ایام به محضرشان برسم و از نزدیک کوشش و همت ایشان را ملاحظه کنم و در ضمن یادی از روزگار گذشته داشته باشیم.

تقریب مذاهب اسلامی

مرحوم واعظ‌زاده اهتمامی خاص به تقریب میان مذاهب اسلامی داشت؛ زیرا به‌خوبی می‌دانست هرگونه اختلاف و چنددستگی میان فرَق اسلامی به زیان اسلام و به سود دشمنان تمام می‌شود. به همین مناسبت مدتی مجمع تقریب میان مذاهب اسلامی را اداره می‌کردند.

من خود در سفر حج تمتع نمونه کوشش و توجه قاطبه مسلمانان را نسبت به این مجمع مشاهده کردم. پیش از ایشان و به همت مرحوم شیخ محمدتقی قمی در تأسیس دارالتقریب، بزرگان و دانشمندان اسلامی این موضوع را دنبال کرده بودند. برای اهمیت موضوع تقریب درگذشته، دو مورد زیر یاد می‌شود:

ابوالعلاء معری در مرثیه یکی از فقهای حنفی از برجستگی‌های او چنین یاد می‌کند:

و العراقی بَعدَه لِلحِجازی قلیلُ الخَلافِ سَهلُ القِیَاد

یعنی او کوشید مکتب عراقی یعنی فقه ابوحنیفه را با مکتب حجازی یعنی فقه شافعی به هم نزدیک کند و اختلاف این دو مکتب را از میان بردارد.

سُبکی در قصیده‌ای که اختلاف مکتب اشعری و ماتریدی را بیان می‌دارد، در پایان می‌گوید:

والخُلْفُ بَینَهُما قَلیلٌ لا مرهٌ سهلٌ بِلا بِدَع وَ لا کُفران

یعنی این اختلافات که یاد کردم، بی اهمیت و ناچیز است، نباید موجب شود یکی دیگری را تکفیر کند و اهل بدعت بخواند.

در هر حال فقدان آیت‌ا‌ واعظ‌زاده خراسانی ضایعه بزرگی برای حوزه علمیه مشهد بود که با این بیت در رثای آن عالم جلیل و فقید سعید مقاله خود را ختم می‌نمایم:

کاشکی خورشید را زین غم نبودی چشم درد

تا برین چشم و چراغ انجمن بگریستی

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مصمم بود که مراسم بزرگداشتی در ایام حیات ایشان برگزار کند و زندگینامه علمی ایشان را منتشر سازد و چند بار این موضوع را با برخی از خانواده ایشان در میان گذاشتم و قرار بود عکسها و مطالب مربوط به زندگی علمی ایشان را برای من بفرستند که فرستاده نشد. ما به جای ایشان مجلس بزرگی برای مرحوم استاد آیت‌ا‌ رفیعی قزوینی برگزار کردیم و امیدواریم که در آینده نزدیک با یاری خانواده ایشان بتوانیم این مراسم را برای مرحوم واعظ‌زاده برگزار کنیم.

منبع: روزنامه اطلاعات